



رنالیسم قرآنی عرفانی علامه طباطبائی

یادداشتی از حجت‌الاسلام و المسلمین حسین عشاقی به‌بهانه سالگرد ارتحال علامه طباطبائی رحمته‌الله

همه می‌دانیم علامه طباطبایی یک فیلسوف زنالیست بود؛ زیرا او در بسیاری از آثارش از فلسفه زنالیسم دفاع و حمایت کرده است؛ اما این چندان مهم نیست؛ زیرا عموم

آیین افتتاحیه کنگره بین‌المللی علامه طباطبایی به‌مناسبت چهلمین سالگرد ارتحال این مفسر بزرگ قرآن، با حضور آیت‌الله اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه، دکتر اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، حجج‌اسلام محمدی عراقی مسئول دفتر مقام معظم رهبری در قم و فیاضی رئیس مجمع عالی حکمت اسلامی، ۲۴ آبان در سالن امام خامنه‌ای حرم مطهر بانی کرامت علیه‌السلام برگزار شد.

تفسیر المیزان منشوری برای اسلام سیاسی و اجتماعی است

به گزارش خبرگزاری حوزه، آیت‌الله اعرافی در نشست افتتاحیه این کنگره با بیان اینکه شخصیت علامه طباطبایی، نمادی از اندیشه ایران و اسلام است که قابل عرضه به جهانیان است، گفت: این کنگره می‌تواند به‌وسیله آشنا کردن جامعه با شخصیت اجتماعی و سیره شخصی علامه طباطبایی، برای نسل جوان هویت‌سازی کند و زمینه رشد علمی جامعه را فراهم آورد.

مدیر حوزه‌های علمیه، نظم منطقی و نظام‌وارگی در مباحث معرفتی را، از ویژگی‌های اندیشه علامه طباطبایی دانست و گفت: علامه طباطبایی ضمن اینکه ریشه در اصالت فقه دینی و ارزش‌های تاریخی دارد، فرزند زمانه خویش است و در جهان امروز زیست می‌کند و ذهن ایشان ناظر بر آراء، انظار و تئوری‌های روز است.

وی نگاه منصفانه و نقادانه نسبت به اندیشه‌های غربی را، از ویژگی‌های برجسته علامه طباطبایی برشمرد و افزود: نه نفی مطلق اندیشه غرب و نه انفعال و پذیرش بی‌قید و شرط آن، از ویژگی‌های اندیشه علامه طباطبایی است. او اندیشه غرب را به خوبی می‌شناسد و آن را به صورت منصفانه و با تأکید بر برهان منطقی نقد می‌کند.

آیت‌الله اعرافی ادامه داد: علامه طباطبایی در فلسفه به مفهوم پیشین آن، توقف نکرد و در قلم‌روهای جدید به فلسفه امتداد بخشید و از روش‌شناسی جامع عقلی اجتهادی برخوردار بود که از شاخصه‌های یک فقیه اصولی است که در عین حال، یک تصویر دقیق از مسائل فلسفی و منطقی در ذهن داشت.

وی با اشاره به رویکرد سیاسی و اجتماعی علامه طباطبایی برای پایه‌ریزی مبانی انقلاب اسلامی، تفسیر المیزان را منشوری برای اسلام سیاسی، اجتماعی و فعال در صحنه دانست و گفت: علامه طباطبایی در مدار دین و اجتهاد و بر اساس مظاهر دقیق شریعت، حرکت می‌کرد و تسلیم عمیق قلبی در برابر شریعت بود.

مدیر حوزه‌های علمیه با بیان اینکه چهره، سلوک و رفتار اجتماعی علامه طباطبایی در برخورد با دیگران، برای جوانان درس‌آموز و جذاب است، گفت: صبوری، تحمل، اخلاص، ایثار، تمرکز بر وظیفه و کنار گذاشتن شئونات برای

قرار داده و خدا را محور تحقق چنین فلسفه‌ای معرفی کرده است.

توضیح اینکه علامه طباطبایی در قدم نخست، این روش فلسفی را از اثبات وجود خدا و یا تکیه بر مطلق واقعیت بیان می‌کند. او در برهان صدیقینش این‌گونه بیان می‌کند که از بدیهی‌ترین بدیهیات این است که سفسطه (پوچ‌گرایی) باطل است؛ یعنی هرگز نمی‌توان مطلق واقعیات را انکار و به جایش ادعا کرد که هیچ واقعیتهایی تحقق ندارد؛ بسیار بدیهی است که چنین ادعایی باطل است.

ایشان با توجه به بطلان بدیهی سفسطه می‌گوید؛ اما چیزی که مقابل سفسطه محض است و آن را باطل می‌کند، «مطلق واقعیت» یا اصل واقعیت است و نه واقعیت خاص؛ زیرا خصوصیت هر واقعیت معینی در نفی سفسطه و در ابطال «انکار مطلق واقعیات»، نقشی ندارد؛ چون آنچه برای ابطال سفسطه لازم است، اصل واقعیت است؛ اما اینکه این واقعیت با خصوصیت «الف» باشد یا با خصوصیت «ب»، دخالتی در نفی اصل سفسطه ندارد. بنابراین اگر آن واقعیت بدیهی الثبوت به جای خصوصیت «الف»، خصوصیت دیگری مثل خصوصیت «ب» داشته باشد یا فقط اصل واقعیت را داشته باشیم و اصلاً خصوصیتی در آن نباشد، باز هم سفسطه و پوچ‌گرایی نفی شده است و ما از افتادن در مهلکه سفسطه و پوچ‌گرایی مصون مانده‌ایم؛ بنابراین معیار واقعیت‌گرایی و مناظرنالیسم، اصل واقعیت است بدون دخالت خصوصیات واقعیات. پس آنچه بدیهی‌الثبوت و انکارناپذیر است، اصل واقعیت است؛ یعنی «واقعیت»، بدون اینکه به قیدی و شرطی تقيید داشته باشد؛ بنابراین در جهان واقعیت‌ها یک واقعیت با تعریف «واقعیت نامقید بدیهی‌الثبوت» محقق و موجود است و این واقعیت با این تعریف (واقعیت نامقید بدیهی‌الثبوت)، همان چیزی است که در ادبیات دینی از او با عنوان «خداوند» یاد می‌کنیم؛ زیرا در ادبیات دینی، خداوند به دلیل «أفی الله شُکُّ» (اراهیم/۱۰) موجودی است بدیهی‌الثبوت که در واقعیتش وابسته و مقید به هیچ قیدی و شرطی نیست.

از سوی دیگر انکار این «واقعیت نامقید»، انکار هر واقعیت دیگر است و با انکار او باید بگوییم، در دام سفسطه و پوچ‌گرایی گرفتار شده‌ایم؛ یعنی باید بپذیریم که هیچ واقعیتهایی، محقق نیست؛ زیرا انکار مطلق هر حقیقتی، انکار همه اقسام و افراد آن است؛ مثلاً انکار مطلق «انسان» (انسان نامقید) به انکار هرگونه انسانی منجر می‌شود و نبود مطلق انسان یعنی نبود انسان سفید، نبود انسان سیاه، نبود انسان

جوان و نبود انسان پیر و...؛ بنابراین حال که خداوند همان «مطلق واقعیت» یا «واقعیت نامقید» است، باید این را هم بپذیریم که انکار خدا انکار واقعیت است و به انکار همه واقعیت‌ها منجر می‌شود.

پس تا اینجا بحث می‌توان نتیجه گرفت که اولاً واقعیت خدا، عین واقعیت و همان واقعیت بالذات است که در گروی هیچ بیگانه‌ای نیست و به عکس عدم خدا، معیار عدم واقعیت است و به پوچ‌گرایی منجر می‌شود.

دوم، اکنون که معلوم شد هستی خداوند، عین واقعیت است، بدون وابستگی به هیچ قیدی و شرطی، پس هستی خداوند، معیار «واقعیت» و واقعیت بالذات است؛ بنابراین حقائق دیگر در پرتو این معیار و در پرتو این واقعیت بالذات، واقعیت‌دار خواهند شد؛ چون هر معنایی یک مصداق بالذات دارد که انتصاف آن مصداق به آن معنا، مقید به غیری و وابسته به بیگانه‌ای نیست؛ ولی سایر مصداق‌ها انتصافشان به آن معنا در پرتو آن مصداق بالذات است که حقیقتاً معیار آن معناست؛ مثلاً حقیقت نور، مصداق بالذات «روشنایی» است؛ زیرا روشنایی نور در گروی قیدی و شرطی نیست؛ بلکه نور به ملاک ذاتش روشن است؛ اما دیگر اشیاء به خودی خود تاریک هستند و روشنی‌شان در گروی حقیقت نور است و با نورافشانی به آن‌ها نورانی می‌شوند.

دو نکته فوق، دو ادعایی است که مرحوم علامه طباطبایی، در تفسیر مجله «ذَلِکَ بَأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ» در آیه ۳۰ سوره لقمان به اثبات آن‌ها می‌پردازد. (المیزان، ج ۱۶، ص ۲۳۵) ایشان می‌گوید: بر اساس مفاد این جمله قرآنی، واقعیت، منحصر در خداوند است؛ زیرا در جمله قرآنی «اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ»، بین مبتدا و خبر، ضمیر فصل آمده و خبر نیز معرفه است و این نحوه ترکیب، افاده حصر می‌کند؛ بنابراین طبق قواعد ادبی، مفاد این جمله قرآنی، این است که واقعیت، مختص به خدا و در او منحصر است و از این رو، خداوند همان واقعیت بالذات و همان معیار واقعیت است و بر این اساس هر حقیقت واقعیت‌دار دیگری در پرتو واقعیت خداوند واقعیت‌دار است؛ یعنی سایر حقایق در پرتو واقعیت انحصاری خداوند واقعیت‌دار می‌شوند و به ملاک واقعیت خداست که واقعیت به آن‌ها بالعرض انتساب می‌یابد. بنابراین روشن شد که علاوه بر اینکه خداوند عین واقعیت است، معیار زنالیسم و واقعیت‌گرایی، در سایر حقایق نیز هست؛ یعنی هر حقیقت واقعیت‌داری به مناط واقعیت خداوند واقعیت‌دار است و واقعیت، بالعرض به آن انتساب می‌یابد.

این نحوه تبیین قرآنی و تحلیل عرفانی است که زنالیسم علامه را برجسته و از سایر مکاتب زنالیسم ممتاز کرده است. یادش در دل‌ها جاودانه باد.

مدیر حوزه‌های علمیه در افتتاحیه کنگره بین‌المللی علامه طباطبایی رحمته‌الله عنوان کرد

تفسیر المیزان منشوری برای اسلام سیاسی اجتماعی و تأمین‌کننده تئوری‌های انقلاب

زحمات و تلاش‌های علمای برجسته‌ای نظیر علامه طباطبایی است. محمد مهدی اسماعیلی با اشاره به نقش علامه طباطبایی در تربیت شاگردان و تشکیل حلقه‌های علمی و معرفتی، گفت: جریان فکری که علامه طباطبایی ایجاد کرد، انقلاب اسلامی را به‌عنوان مکتب پویا و نواندیش دینی مطرح کرد و تراش علمی گذشگان را با دانش و علم جدید پیوند زد.

وی با بیان اینکه دوگانه تجدد و دین با اصالت دادن به دین در اندیشه علامه طباطبایی رحمته‌الله آرایش جدیدی پیدا کرده است، گفت: به نظر بنده، علامه طباطبایی در ایجاد پایه‌های فکری انقلاب اسلامی نقش بسزایی را ایفا کرد و امروز شاهد حاکمیت دینی در نیایی هستیم که قرار بود، دین از عرصه اجتماعی حذف شود.

در ادامه، محمدباقر خراسانی دبیر کنگره علامه طباطبایی هم، با بیان اینکه این کنگره از دو سال پیش برنامه‌ریزی شده است، اظهار کرد: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورای عالی انقلاب فرهنگی و مراکز علمی سراسر کشور، همکار مؤسسه حکمت اسلامی در این کنگره هستند.

وی با بیان اینکه از امروز فعالیت کنگره به‌صورت رسمی آغاز می‌شود، افزود: این کنگره با رویکرد عمومی و تخصصی در رابطه با علامه طباطبایی است و از جمله محورهای آن، علاوه بر کار بر روی آثار تخصصی و علمی ایشان، جمع‌آوری خاطرات شفاهی شاگردان و نزدیکان علامه طباطبایی است.

دبیر کنگره بین‌المللی علامه طباطبایی، از دیگر اهداف این کنگره را نام‌گذاری ۲۴ آبان به‌عنوان روز حکمت اسلامی دانست و گفت: راه‌اندازی بانک اطلاعات مربوط به علامه طباطبایی، از دیگر اهداف کنگره است و تاکنون ۱۱۶ برنامه علمی از سوی مجمع حکمت اسلامی در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله منتشر شده است.

گفتنی است، در پایان این مراسم پوستر ویژه کنگره علامه طباطبایی و سایت این کنگره، با حضور آیت‌الله اعرافی و دکتر اسماعیلی رونمایی شد.

تبیین سیره و روش علامه طباطبایی در بهره‌گیری از روایات برای تفسیر قرآن

حجت‌الاسلام والمسلمین رستم‌نژاد گفت: نکته ظریف دیدگاه علامه طباطبایی این است که خود قرآن، در ارائه مراد لغتی خودش نیازی به هیچ‌کس دیگری ندارد؛ اما زمانی که کار به فهم مخاطب می‌رسد، به‌دلیل عدم توانایی او در رسیدن به این فهم، نیاز به معصوم و مفسر دارای علم جامع ظهور پیدا می‌کند.

به گزارش خبرگزاری حوزه، حجت‌الاسلام والمسلمین رستم‌نژاد معاون آموزش حوزه‌های علمیه، ۲۶ آبان در مراسم بزرگداشت چهلمین سالگرد ارتحال علامه طباطبایی که در سالن امام رضا علیه‌السلام دانشگاه معارف اسلامی برگزار شد، به تحلیل شیوه مواجهه علامه با روایات در تفسیر المیزان پرداخت و گفت: برخی ادعا می‌کنند که قرآن کریم مستقل از کلام معصوم علیه‌السلام بوده و خودش به‌تنهایی قابل فهم است؛ مثلاً ادعای معصوم علیه‌السلام می‌گویند: اصل تحذی که در قرآن کریم آمده، مؤید این سخن است.



وی افزود: یکی دیگر از شاهد مثال‌های افرادی که روایات را کنار گذاشتند، این بود که در قرآن مدعای «تبیان لکل شیء» مطرح شده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین رستم‌نژاد پاسخ‌های علامه طباطبایی در پاسخ به آنان که گفتند، قرآن به‌طور مستقل بیان‌گر تمام مسائل است را بسیار دقیق و علمی دانست و گفت: اگر این‌گونه است، چرا خداوند در قرآن کریم قول نپی در بیان آیات قرآن را لازم دانسته است؟

معاون آموزش حوزه‌های علمیه تصریح کرد: علامه طباطبایی برای معصومین علیهم‌السلام نقش تبیینی در تفاسیل احکام، قصه‌ها و جزئیات ماورای عالم ماده قائل است؛ ایشان می‌گوید: تفاسیل احکام را از غیر مسیر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نمی‌توانید بیابید؛ چراکه خود خداوند این ارجاع را در قرآن کریم امر فرموده است.

وی با اشاره به اینکه در جلد سوم المیزان بحث‌های مربوط به محکمت‌ها و مشابهات به‌تفصیل آمده است، تصریح کرد: از نظر علامه طباطبایی شأن معصوم علیه‌السلام به استناد از ۲۴ سوره نحل، فقط بیان قرآن نیست و علاوه بر آن، تعلیم تفسیر آن هم به‌صورت روش‌شناسانه می‌باشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین رستم‌نژاد گفت: علامه در المیزان راه تفسیر را به ما نشان می‌دهد و برای اهل‌بیت علیهم‌السلام مقام مفسرپوری قائل است؛ این مقام بالاتر از مقام ترجمه و تفسیر است.

معاون آموزش حوزه‌های علمیه اظهار کرد: در صفحه ۷۴ جلد سوم المیزان، علامه، حدیثی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل کرده و آن را از غرر احادیث دانسته است؛ در این روایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: آنچه من از قرآن می‌گویم، وحی نیست؛ اما یک فهم دقیق می‌باشد که به من داده شده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین رستم‌نژاد گفت: نکته ظریف دیدگاه علامه طباطبایی این است که خود قرآن، در ارائه مراد لغتی خود، نیازی به هیچ‌کس دیگری ندارد؛ اما زمانی که کار به فهم مخاطب می‌رسد، به‌دلیل عدم توانایی او در رسیدن به این فهم، نیاز به معصوم علیه‌السلام و مفسر دارای علم جامع ظهور پیدا می‌کند.

وی ادامه داد: در پاسخ به آن‌هایی که می‌گویند، علامه روایات را کنار زده است، باید گفت که علامه در جاهای مختلفی می‌گویند که حدیث این لغت یا این عبارت را این‌گونه تفسیر نموده است؛ پس علامه با کمک روایات، تفسیر گران‌سنگ المیزان را تألیف کرده‌اند.

علمای مصر، نقدی بر المیزان می‌نویسد، خاطرنشان کرد: با وجود اینکه این عالم مصری تفکر وهابی دارد؛ اما می‌نویسد، تعجب می‌کنم، این مرد چقدر بر قرآن تسلط داشته است. علامه در شرایطی المیزان را نوشته است که در فقر مطلق منبع و کتاب بود.

مدیر دارالقرآن علامه طباطبایی اذعان کرد: در آن زمان درس تفسیر برگزار نمی‌شد و حقیقتاً قرآن مهجور بود و در آن شرایط، علامه دست به‌قلم شد و المیزان را نوشت. هیچ کتابی به‌اندازه المیزان در رفع مهجوریت قرآن نقش ایفا نکرده و در این حد در دنیای اسلام تأثیرگذار نبوده است.

وی با اشاره به انگیزه علامه از تألیف تفسیر المیزان، افزود: تمام تفاسیر معاصر مدیون و مرهون المیزان می‌باشند؛ حتی تفاسیر امروز اهل سنت متأثر از المیزان است. زمانی شیعه را به‌عنوان مکتبی که عالم ندارد، معرفی می‌کردند و حتی کتاب‌های مصری در قالب یک کتاب علمی، در قم معرفی و ترجمه می‌شد و شیعه را به‌عنوان یک مکتب بدون اندیشه

می‌شناختند. المیزان در چنین شرایطی با انگیزه الهی و با هدف نقد کتاب المنار نوشته شد. این استاد حوزه با بیان اینکه المیزان کل المنار را نقد عالمانه کرده است، اظهار داشت: اگر المیزان نبود کل دنیا را المنار با تفکر تکفیری و ضد شیعه فرا گرفته بود. المیزان، تفسیر المنار را کنار زد. ۲۰ جلد تفسیر المیزان، واقعاً بر مطلب و افتخار دنیای اسلام، شیع و حوزه علمیه است. وی با اشاره به اینکه علامه طباطبایی فیلسوف بزرگ و عارف وارسته است، ابراز کرد: ایران در آن زمان هم مرز با شوروی و تفکرات کمونیستی و مارکسیستی بود و این تفکر در ایران هم رواج داشت. در چنین شرایطی علامه به مبارزه فکری با مارکسیست‌ها پرداخت و کتاب‌های اصول فلسفه و روش زنالیسم و بنیاده و نیایه با این هدف نوشته شد. وی در پایان تصریح کرد: علامه طباطبایی خطر الحاد و بی‌دینی را احساس کرد و با فعالیت‌های علمی خود موفق شد، جلوی بی‌دینی را بگیرد.



انجام وظیفه الهی، از ویژگی‌های علامه بود و این کنگره باید با تعمیق اندیشه‌ها و هویت‌سازی برای نسل امروز و تولید گفت‌مان‌های علمی و معرفتی برای دنیای

شاگردان علامه برکات فراوانی برای اسلام و انقلاب داشتند

حجت‌الاسلام والمسلمین غلامرضا فیاضی، رئیس مجمع عالی حکمت اسلامی نیز در این مراسم، ابراز کرد: این مراسم غلامرضا فیاضی، کسی است که بنای خود را بر این گذاشت که عبد خدا باشد و دنیای خود را برای رسیدن به مقامات معنوی فدا نمود و شاگردانی را تربیت کرد که برکات فراوانی برای اسلام و انقلاب اسلامی داشتند.

نقش مؤثر علامه طباطبایی رحمته‌الله در ایجاد پایه‌های فکری انقلاب

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم در این نشست، با اشاره به نقش علامه طباطبائی در تحول اندیشه دینی در ایران، اظهار کرد: مبانی و ریشه‌های فکری نهضت اسلامی ایران که نزدیک به ۶۰ سال است، ظهور و بروز پیدا کرده، مرهون

در مراسم سالگرد ارتحال علامه طباطبایی عنوان شد

علامه طباطبایی نسخه منحصربه‌فرد حوزه و روحانیت

در زمانی که بدترین توهین‌ها را به علامه می‌کردند، این عالم وارسته با سعه صدر چشم‌پوشی می‌کرد. گاهی رو در رو و چشم در چشم به علامه اهانت می‌شد؛ اما ایشان شاگرد مکتب امام صادق علیه‌السلام بود و با بزرگواری گذشت می‌کرد. این استاد حوزه علمیه قم، با تأکید بر اینکه علامه با اخلاق الهی با مردم برخورد می‌کرد و خدا هم وی را این‌گونه عزیز کرده است، تصریح کرد: علامه طباطبایی با تقدس و معنویت وجهه خوبی برای فلسفه کسب کرد. علامه نسخه مفرده و منحصربه‌فرد و در قاموس روحانیت و حوزه مثل خورشید می‌درخشید و بی‌نظیر بود.

مدیر دارالقرآن علامه طباطبایی، با بیان خاطره‌ای از روز رحلت علامه طباطبائی، گفت: در چنین روزی که علامه

حجت‌الاسلام والمسلمین عابدی با بیان اینکه المیزان کل المنار را نقد عالمانه کرده است، اظهار داشت: اگر المیزان نبود، کل دنیا را المنار با تفکر تکفیری و ضد شیعه فرا گرفته بود. علامه طباطبایی خطر الحاد و بی‌دینی را احساس کرد و با فعالیت‌های علمی خود، موفق شد جلوی بی‌دینی را بگیرد.

به گزارش خبرگزاری رسا، حجت‌الاسلام والمسلمین احمد عابدی استاد حوزه علمیه قم، ۲۴ آبان در مراسم سالگرد ارتحال مفسر کبیر قرآن، علامه طباطبایی در مدرسه عالی تفسیر و دارالقرآن علامه طباطبایی، گفت: علامه طباطبایی یکی از معدود افراد در نقطه عطف تفکر است. او از نظر اخلاقی شخصیتی بی‌نظیر بود و حقیقتاً آنچه در کتاب‌های اخلاق انسان مطالعه می‌کند، علامه در خود متبلور کرده بود.

وی با بیان اینکه کمتر شخصیت اخلاقی مثل علامه طباطبایی در تاریخ علما و عرفا یافت می‌شود، اظهار کرد: